



بژی کوردستان*

پایان سریال دوست داشتنی «نون خ» بهانه خوبی است تا سراغ سبک زندگی هموطنان کرد برویم



ماریه یاکنهاده | خبرنگار

پرونده

تا همین چند شب پیش کمتر خانواده‌ای در ایران وجود داشت که با سریال «نون خ» بیگانه و شب‌ها به تماشايش

نشسته باشند. سریالی که مدیر روابط عمومی سيما از رضایت ۸۰ درصدی مردم درباره‌اش گفته و ساخته‌فرزند کردستان یعنی سعید آقاخانی است. مجموعه تلویزیونی که با رویکرد معرفی مناطق غربی ایران و همچنین سبک زندگی کردها ساخته شده و باید پذیرفت که موفق هم بوده است. این را هم بدانید که اسم روستاهایی که «نون خ» در آن‌ها فیلم برداری شده، پالنگان و روستای هجیج شهر پاوه است که در استان کردستان واقع شده‌اند. در این بین، من به عنوان یکی از هموطنان کرد که در سنجج زندگی می‌کنم، بنا دارم تا در پرونده امروز زندگی‌سلام، شما خوانندگان را با بسیاری از ناگفته‌های سبک زندگی مردم کرد آشنا کنم. مردم کرد، در اصطلاح تمام مناطق استان کردستان، کرمانشاه و قسمتی از آذربایجان غربی که بیشترین جمعیت کردها را شامل می‌شود، «کردستان» یا «کوردسان» می‌نامند.

* بژی کوردستان به معنای زنده باد کردستان است

پیشینه کردستان

به ۸۳۷ سال قبل

از میلاد برمی‌گردد

کردستان در حدود ۵۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و درباره پیشینه این استان باید بدانید که نخستین اشاره به قوم مادها در کتیبه‌ای به تاریخ ۸۲۷ سال قبل از میلاد است که در آن سرزمین مادها را کوه‌های کردستان و اطراف کرمانشاه دانسته‌اند که البته قسمتی از آثار پیدا شده در این مناطق توسط باستان‌شناسان به حدود ۶۰ میلیون سال قبل از میلاد تعلق داشته است. استان کردستان با مرکزیت شهر سنندج در بخش غربی کشور عزیزمان ایران قرار گرفته است. افراد ساکن در کردستان اغلب کرد زبان هستند و هنوز هم با همین زبان صحبت و با رسم و رسوم کردی زندگی خود را اداره می‌کنند. ارتفاع شهر سنندج از سطح دریا هزار و ۴۸۰ متر است و شهر سنندج در دوره حکومت صفویه و در دوران شاه صفی توسط سلیمان خان اردلان بنا شده است و امروزه سرزمین کردهای ایرانی است.



کهلانه و شهلهمین، از بهترین

خوراکی‌های کردی



کردها با توجه به سبک زندگی متفاوت و منحصر به فرد خود، اهمیت بسیار زیادی به خوراک و تغذیه خود می‌دهند. بنابراین اگر قصد سفر به ریهک از شهرهای کردستان را دارید، باید امتحان غذاهای محلی هر منطقه را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهید. «کهلانه» نانی که درون آن را با پیازچه و گیاه محلی پیچک پر می‌کنند و روی ساج که وسیله پخت نان است می‌پزند، از جمله غذاهای مهم و بسیار لذیذ استان کردستان است که البته سروان با کره و دوغ محلی قلعاً خاطر زیبایی را در اذهان ثبت خواهد کرد. «شهلهمین» که آشی خوشمزه است با ترکیب میوه‌های خشک شده، رب انار و شیره توت، می‌تواند مهر کردستان را برای همیشه در دل مهمانان این دیار ماندگار کند! همچنین «خورشت خلال» و «دنده کباب» را جز آن‌هایی که شناسنامه کرمانشاهی دارند، در هیچ جای ایران نخورده‌اند. البته سرو و کباب ماهی، در مریان و روستای تاریخی گردشگری پالنگان و آش محلی «دوبنه» را که ترکیب بلغور گندم و دوغ است هم نمی‌توان در این حوزه از قلم انداخت.

زبان شگفت‌انگیز کردی با ۱۴ لهجه و گویش

زبان کردی یکی از قدیمی‌ترین زبان‌های ایران است. پیشینه و اصالت این زبان نیز گاه و بی‌گاه از سوی محققان، زبان‌شناسان، تاریخ‌نویسان و... مورد تردید و گاه مورد تایید بوده اما بسیاری از محققان زبان‌شناس آن را بازمانده همان زبان مادی و برخی آن را مشابه اوستا می‌دانند.

زبان کردی یکی از غنی‌ترین زبان‌های موجود و دارای بیش از ۱۴ لهجه و گویش است که شامل گویش‌های بسیاری از جمله سورانی، گورانی، کرمانجی، لری، زازایی، هورامی و... است که همه از یک ریشه اما دارای ویژگی‌های خاصی نیز هستند که آن‌ها

مهمان نوازی با هدیه دادن صنایع دستی

بعید است که فردی به خانه کردها قدم گذاشته باشد و از مهمان‌نوازی آن‌ها، شگفت زده نشده باشد. البته که این خصلت در بین ایرانی‌ها، پررنگ‌تر از دیگر ملل است اما کردها در این زمینه، پیش‌تازتر از بقیه به نظر می‌رسند. کردها همواره از لحاظ مهمان‌نوازی و احترام بیش از اندازه به مهمانان، شناخته شده‌اند. کردستان به دلیل شرایط جغرافیایی و دارا بودن سهم مهم در جذب گردشگران، همواره در تمام فصول سال میزبان مهمانانی از داخل و خارج از کشور بوده است. کردها رسم دارند که به نشانه احترام به مهمان، تمامی افراد فامیل را برای آشنایی با مهمان

از جشنواره انار تا مراسم پیرشالیار

جشنواره انار که در «نون خ» به آن اشاره شد، تنها مراسم دورهمی کردها نیست. در بین کردها همچون دیگر اقوام کشورمان، مجموعه مراسمی با تاریخچه قدیمی برگزار می‌شود. در ادامه، توضیحات کوتاهی درباره معروف‌ترین آن‌ها می‌دهیم. مراسم پیرشالیار **عروسی که هر سال برگزار می‌شود:** اگر نام منطقه اورامان را شنیده باشید، جالب است بدانید در آن بهشت زیبا، مراسم مهمی با نام «پیر شالیار» هر ساله تعداد بسیار زیادی گردشگر خارجی و ایرانی را به سمت خود می‌کشاند. «اورامان» یا «هورامان» آرشیی هزاران ساله از فرهنگ و تمدن است که طبیعت محصورکننده آن، هر مهمانی را متحیر و مشتاق می‌کند. پیرشالیار از نوادگان مربوط به سادات بوده که در اورامان می‌زیسته است و آن چه نام اورا برای صدها سال بر سر زبان‌ها نگه داشته است، داستان جذاب عروسی وی با دختر حاکم بخارا، «شاهبهار خاتون» است. کسی که دختر کرولال پادشاه بخارا را شفا



سُخمه و کهوا، پوشش‌هایی

محلی و شاد

از ویژگی‌های مهم کردها باید به شاد و سرزنده بودن آن‌ها در همه مواقع اشاره کرد که سعید آقاخانی به خوبی این ویژگی شخصیتی کردها را در سریال «نون خ» به تصویر کشیده بود. این ویژگی شاد بودن را حتی در پوشش کردها هم می‌توان به سهولت دید. در کردستان، شایسته نیست هیچ فردی چه جوان باشد یا پیر، لباس محلی تیره بر تن داشته باشد. بنابراین در تاریخ کردستان و در عکس‌های قدیمی به یادگار مانده، این موضوع بسیار قابل توجه بوده و اثبات شده است. لباس محلی زنان کرد در شهرهای سنندج و اطراف آن، پیراهنی بلند است که روی آن جلیقه‌ای کوتاه به نام «سُخمه» می‌پوشند. گاهی هم زنان کرد کلاهی از پارچه و مخمل را که با سکه‌های قدیمی و زیورآلات پوشانده شده به سر می‌گذارند که به آن «کلاو فیس» می‌گویند. لباس مردان این دیار هم، جلیقه و شروال محلی است که آن را «کهوا» و «پانتول» می‌نامند. مردان روی کمر را شال می‌بندند و گاهی در مناطق پاوه و اورامانات «فهرنجی» که جلیقه‌ای است تهیه شده از پشم حیوان می‌پوشند. مردان کرد «کلاش» را به عنوان پاپوش محلی در تمام فصول سال می‌پوشند. کلاش، کش محلی زنان و مردان است که با نخ ابریشم و با سوزن‌های مخصوص بافته می‌شود. شایان ذکر است که این کش، به ثبت جهانی نیز رسیده است.



دهد، داماد او می‌شد. بعد از راهی شدن دختر پادشاه به سمت خانه پیر شالیار برای مداوا، دختر شغامی یاد و عروس پیر شالیار می‌شود و او وصیت می‌کند تا هر سال مراسم عروسی اش را با تورت به جامانده از او برگزار کنند! بنابراین هر ساله در بهمن و اردیبهشت ماه، مراسم عروسی پیرشالیار را با نغمه هزاران دف و ذکر پیران و درآویش، روی بام‌خانه‌های پلهکانی اورامان جشن می‌گیرند.

جشنواره انار **خوشمزه‌ترین جشنواره دنیا:** جشن انار هم مراسم دیگری از کردستان زیبا و پر نعمت است که هر ساله در سه روز و در فصل برداشت انار، در روستاهای زیور، بلیر، سلین و ناو با حضور خبرنگاران و عکاسان و مهمانانی از اقصی نقاط ایران و همچنین گردشگران خارجی با هدف توسعه گردشگری، کاهش مهاجرت و معرفی محصولات شاخص کشاورزی کردستان برگزار می‌شود. در این مراسم که پوشش لباس‌های رنگی محلی زنان، قسمت جدانشدنی آن است، با قرص محلی و ساز و دهل همراه است. باغداران در تمام مدت با انار دانه‌شده، انار کامل، رب انار، انجیر، گردو و... از مهمانان پذیرایی می‌کنند. آن چه می‌تواند جشنواره انار را منحصر به فرد کند، نمایش اسب‌سواری زنان و مردان کرد است که با لباس محلی و سوار بر اسب اصیل کرد انجام می‌شود. در پایان مراسم، از باغداران نمونه‌و کسانی که در زمینه کاشت و پرورش انار ایده یا نوآوری داشته‌اند، تقدیر می‌شود.

سنندج، ستاره شب‌های کردستان

درباره هموطنان کرد، که «نون خ» فرصت شناخت بیشترشان

را فراهم کرد



سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار

کشورمان دیدنی‌های زیادی دارد؛ برخی از این دیدنی‌ها شناخته شده‌تر هستند، به عنوان مثال شهرهای شمال کشور، به واسطه نزدیکی به پایتخت و بر خور داری از ساحل، با کیش به خاطر هوای خوب و بازارهای جذاب، اما کردستان بهرغم فرهنگ ویژه مردمانش، بهرغم ظرفیت‌های گردشگری و خیلی چیزهای دیگر، آن‌طور که باید و حقیقت هست بین هم‌وطنان مان شناخته شده نیست و جای خوشحالی است که صداوسیما بالاخره بعد از کلی کمدی ۹۰ شیبی بی‌حتوا و کم‌حتوا، بعد از کلی سریال آپارتمانی، بعد از آن که شهرستانی بودن در سریال هایش محدود شده بوده به مسخره کردن لهجه‌ها، حالا با هدف آشنا کردن مخاطب با فرهنگ و سبک زندگی یک مردم عزیز، سریالی مثل «نون خ» را ساخته، آن‌هم نه فقط در یک جغرافیای دور از پایتخت و شاید دشوار برای سریال‌سازی، بلکه با تکیه روی بحث زلزله زدگان. یعنی در یک اتفاق ویژه در سریال‌سازی تلویزیون، هم به کردهای عزیز توجه شده و با نمایش دقیق سبک زندگی آن‌ها، مخاطب را به دنیای شیرین آن‌ها نزدیک کرده، هم به مشکلات زلزله زدگان کمی عنایت و هم از همدلی و همراهی مردم گفته شده و جالب این که سریال بدون شعار ی شدن جذاب هم از کار درآمده. حتی سریال «پایتخت» هم به‌رغم جذابیت هایش این طیف وسیع از اهداف را تأمین نمی‌کرد و چه بهتر که سریالی با این مختصات موفق برای معرفی بیشتر کردهای عزیز ساخته شده. برای من که دوران سریال‌سازی را در کردستان بودم، فضای سریال مثل مهربانی آدم‌ها، مثل صفا و صمیمیت‌شان، مثل روحیه همدلی و همراهی‌شان کاملاً ملموس و خاطر‌انگیز بود. روزهایی را به خاطر آوردم که از مشهد برای خدمت‌سربازی به روستایی در اطراف سنندج می‌رفتم؛ متأسفانه گاهی در برخی از شهرهای کشورمان به مسافر به چشم فردی که می‌تواند کرایه‌تا کسی و دیگر خدمات را با او بیشتر محاسبه کرد نگاه می‌شود اما در کردستان ماجرا برعکس است. مهمان برای کردها حرمت خاصی دارد؛ کافی است روی صندلی یک اتوبوس باشید و کافی است بفهمند در شهرشان مهمان هستید راحت شمارا بدون هیچ دغدغه‌ای دعوت می‌کنند حتی اگر هیچ شناختی از شما نداشته باشند. روحیه عالی کردها در مهمان‌نوازی در کمتر جایی به این کیفیت وجود دارد. زیبایی‌های کردستان هم که جای خود. سفر به کردستان به خاطر این که مردمانش بافت فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند و شبیه پایتخت نشینان نشده‌اند هم یک تجربه مردم‌شناسی جذاب است هم لذت بردن از هوای دلچسب مناطق کوهستانی و دیدنی‌های این دیار. ولی اگر سمت کردستان رفتید زمانی بروید که هنگام تاریکی هوا به سنندج نزدیک شوید. شهر مثل یک ستاره در دل کوه‌ها می‌درخشد و از شما دلبری می‌کند. زیبا و روشن و جذاب مثل قلب پاک مردمان کرد.